

نام آزمون: قرابت معنایی ادبیات ۱

زمان برگزاری: ۳۳ دقیقه



۱ بیت زیر با کدام یک از گزینه‌ها تناسب معنایی دارد؟

«فروغ رویت اندازی سوی خاک» «عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک»

- | | |
|---|-------------------------------------|
| ۱ | ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم |
| ۲ | این همه عکس می و نقش نگارین که نمود |
| ۳ | کجا وصف تو دانا کرد ادراک |
| ۴ | با این که ز تو هیچ مکان خالی نیست |

۲ همهٔ بیت‌ها به جز بیت به مفهوم «وحدت وجود» اشاره دارد.

- | | |
|---|------------------------------------|
| ۱ | جهان جمله فروغ روی حق دان |
| ۲ | پیرهن می‌بدرم دم به دم از غایت شوق |
| ۳ | الهی فضل خود را یار ما کن |
| ۴ | فروغ رویت اندازی سوی خاک |

۳ کدام یک از گزینه‌های زیر با بیت «بی‌روزی حلال دعا نیست مستجاب / از لقمه حرام شکم را نگاه دار» قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|---|--------------------------------------|
| ۱ | من آن نیم که حلال از حرام نشناسم |
| ۲ | دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای |
| ۳ | از خدا خواه هرچه خواهی ای پسر |
| ۴ | رزق ما آید به پای میهمان از خوان غیب |

۴ کدام یک از ابیات زیر بیانگر شخصیت چشمه پس از مواجهه با دریاست؟

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱ | آنکه پای از سر نخوت نهادهی بر خاک |
| ۲ | ای گل سرخ که مغرور بهاران شده‌ای |
| ۳ | چنان به دام عزیز تو بسته است دلم |
| ۴ | نه راه رفتنم از تو نه راه برگشتن |

۵ کدام یک از ابیات زیر با بیت «بلندی از آن یافت کاو پست شد / در نیستی کوفت تا هست شد» تناسب معنایی دارد؟

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۱ | سیلاب نیستی را سر در وجود من ده |
| ۲ | دست از مس وجود چو مردان ره بشوی |
| ۳ | آنکه پای از سر نخوت نهادهی بر خاک |
| ۴ | بیا و در پی آسایش عزیزان کوش |

۶ کدام یک از گزینه‌های زیر با بیت «الهی فضل خود را یار ما کن / ز رحمت یک نظر در کار ما کن» ارتباط معنایی ندارد؟

- | | |
|---|--------------------------------|
| ۱ | بر طاعت و خیر خود نباید نگریست |
| ۲ | تو امید منی اندر صراطم |
| ۳ | فروماندگان را به رحمت قریب |
| ۴ | منم حیران و سرگردان ذات |

فرو مانده به دریای صفات





آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۷ کدام بیت با بیت «گل به همه رنگ و برازندگی / می کند از پرتو من زندگی» تقابل معنایی دارد؟

- | | |
|------------------------------|------------------------------|
| ۱ چون بگشایم ز سر مو شکن | ۲ در بن این پرده نیلوفری |
| ۳ چون بدوم سبزه در آغوش من | ۴ لیک چنان خیره و خاموش ماند |
| ۱ ماه ببیند رخ خود را به من | ۲ کیست کند با چو منی همسری |
| ۳ بوسه زند بر سر و بر دوش من | ۴ کز همه شیرین سخنی گوش ماند |

۸ مفهوم بیت «برو شادی کن ای یار دل افروز / غم فردا نشاید خورد امروز» در کدام گزینه دیده نمی شود؟

- | | |
|--|-----------------------------------|
| ۱ به می عمارت دل کن که این جهان خراب | ۲ چون عاقبت کار جهان نیستی است |
| ۳ پنج روزی که در این مرحله فرصت داری | ۴ شادم ز بی تعلقی خود که در چمن |
| ۱ بر آن سر است که از خاک ما بسازد خشت | ۲ انگار که نیستی چو هستی خوش باش |
| ۳ خوش بیاسای زمانی که زمان اینهمه نیست | ۴ هرگز مرا به شاخ گلی آشیانه نیست |

۹ مفهوم حدیث «حاسبوا قبل ان تُحاسبوا» از کدام بیت، دریافت می شود؟

- | | |
|---|--|
| ۱ در زمان خط، مدار چشم او بر مردمی است | ۲ زان خلایق که در آیند به دیوان حساب |
| ۳ صبح پیری نیست گر صبح قیامت، از چه کرد | ۴ سنگ کم در پله میزان خجالت می کشد |
| ۱ گردن عامل بود باریک در پای حساب | ۲ مثل سلمان عجب ار ز آنچه در آید به حساب |
| ۳ پیش چشم من ز عینک نصب، میزان حساب | ۴ خود حساب آسوده است از پرسش روز حساب |

۱۰ توصیف عنصر المعالی به فرزندش در عبارت «تا گندم نمای جو فروش نباشی» در کدام گزینه آمده است؟

- | | |
|------------------------------------|-------------------------------------|
| ۱ گندم از گندم بروید جو ز جو | ۲ غره مشو بدان که جهان عزیز کرد |
| ۳ به سان آینه با کاینات یکر و باشی | ۴ دل ای رفیق بر این کاروانسرای میند |

۱۱ بیت «در حقیقت یار یکدل کیمیاست / چون صدف کمیاب و چون درّ، پر بهاست» با کدام یک از ابیات زیر مفهومی یکسان دارد؟

- | | |
|----------------------------|------------------------------|
| ۱ دلی دارم همیشه همدم غم | ۲ هر عصایی نه ازدها باشد |
| ۳ هر چند که بی رفیق و یارم | ۴ با یار موافق آشنایی خوشتر |
| ۱ غمی دارم همیشه همدم دل | ۲ هر گیاهی نه کیمیا باشد |
| ۳ درمانده خلق روزگارم | ۴ وز همدم بی وفا جدایی خوشتر |

۱۲ مفهوم عبارت «به شدتی که از روزگار پیش آید، نباید نالید و از فضل و رحمت کردگار ناامید نباید شد» در کدام موارد دیده می شود؟

- الف) نیست روشن گهر از سختی دوران دلتنگ
ب) بیش از این سختی مکن با کار دشوارم بساز
ج) با درد صبر کن که دوا می فرستمت
د) از شب بخت سیاهم صبح امیدی نژاد
ه) بسا محنت که دولت آخر اوست

- | | | | |
|---------|---------|-----------|---------|
| ۱ د - ب | ۲ د - ج | ۳ ب - الف | ۴ ج - ه |
|---------|---------|-----------|---------|

۱۳ معنی کدام گزینه اشتباه نوشته شده است؟

- | | |
|---|--|
| ۱ مُکاری از ما سی دینار مغربی می خواست: کرایه دهنده اسب و شتر از ما سی دینار مغرب طلبکار بود. | ۲ وسعتی نداشت که حال مرا مرمتی کند: دست تنگ بود و نمی توانست به من کمکی کند. |
| ۳ شوخ از خود باز کنیم: چرک و کثافت تنمان را بشوئیم. | ۴ قیم و دلاک آمدند و خدمت کردند: کارگران حمام به خدمت ما رسیدند و مشغول به کار شدند. |

۱۴ کدام بیت مفهوم مغایری با عبارت زیر دارد؟

«معلم دور نبود، صورتک به رو نداشت»

- | | |
|---------------------------------------|---|
| ۱ می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب | ۲ چون نیک بنگری همه تزویر می کنند |
| ۳ دور شو از برم ای واعظ و بیهوده مگوی | ۴ من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم |
| ۵ ما نه رندان ریاییم و حریفان نفاق | ۶ آن که او عالم سرّ است بدین حال گواست |
| ۷ باده نوشی که در او روی و ریایی نبود | ۸ بهتر از زهدفروشی که در او روی و ریاست |

۱۵ کدام بیت با ابیات دیگر تناسب معنایی ندارد؟

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱ حافظ به خود نپوشید این خرقة می آلود | ۲ ای شیخ پاکدامن، معذور دار ما را |
| ۳ در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست | ۴ در صراط مستقیم ای دل کسی گمراه نیست |
| ۵ نوشته جاودان، دیگر نگردد | ۶ به رنج و کوشش از ما برنگردد |
| ۷ چو تو خود کنی اختر خویش را بد | ۸ مدار از فلک چشم نیک اختر را |

۱۶ کدام گزینه مفهوم نهایی سخن شیخ به «زاهد» در عبارت زیر است؟

«شیخ گفت: ای زاهد، ما موشی در جعبه به تو دادیم و تو نتوانستی آن را پنهان نگهداری؛ اگر راز خدا را به تو بگویم چگونه می توانی نگهداری؟»

- | | |
|---|---|
| ۱ ترسم که اشک در غم ما پرده در شود | ۲ وین راز سربه مهر به عالم سمر شود |
| ۳ ز چشمم لعل رمائی چو می خندند می بارند | ۴ ز رویم راز پنهانی چو می بینند می خوانند |
| ۵ درون دلت شهر بند (زندانی) است راز | ۶ نگر تا نبیند در شهر باز |
| ۷ صوفی از پرتو می راز نهانی دانست | ۸ گوهر هر کس از این لعل توانی دانست |

۱۷ مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱ سر ارادت ما و آستان حضرت دوست | ۲ که هر چه بر سر ما می رود ارادت اوست |
| ۳ گرز فدای دوست کنند اهل روزگار | ۴ ما، سر فدای خاک رسالت رسان دوست |
| ۵ سری دارم فدای خاک پایت | ۶ گر آسایش رسانی ور گزندم |
| ۷ روی به خاک می کشم گر تو هلاک می کنی | ۸ دست به بند می دهم گر تو اسیر می کنی |

۱۸ مفهوم بیت «با صد هزار جلوه برون آمدی که من / با صد هزار دیده تماشا کنم تو را» با کدام بیت در تضاد است؟

- | | |
|--|--|
| ۱ نه خود می رود هر که جویان اوست | ۲ به غنّش کشان می برد لطف دوست (غنّف: زور) |
| ۳ من نه آنم که به دنبال دل از جا بروم | ۴ می کشد سوی خود آن سرو خرامان، چه کنم؟ |
| ۵ من نمی دانم که این عشق و محبت از کجاست | ۶ این قدر دانم که میل از جانب مطلوب بود |
| ۷ صید بیابان سر از کمند بیچد | ۸ ما همه پیچیده در کمند تو عمدا |

۱۹ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| ۱ دل شکسته حافظ به خاک خواهد برد | ۲ چو لاله داغ هوایی که بر جگر دارد |
| ۳ چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست | ۴ بنفشه زار شود تربتم چو درگذرم |
| ۵ به عشق روی تو روزی که از جهان بروم | ۶ ز تربتم بدمد سرخ گل به جای گیاه |
| ۷ باشد غم هجر تو به خونابه بر آن نقش | ۸ گر از سر خاکم بدمد برگ گیاهی |



آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۲۰ مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- گل اگر چه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته‌ای گیرد زوال
- | | | |
|---|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ | شد نخل ماتم از دم افسرده خزان | تا راست کرد قامت خود را نهال گل |
| ۲ | برگ گل لعل بود شاهد بزم بهار | آب گلستان ببرد شاهد گلروی من |
| ۳ | می‌گرفتم تنگ اگر در غنچگی بر خویشتن | می‌توانستم چو گل مشت زری پیدا کنم |
| ۴ | گل چو بر ناله مرغان چمن خنده زند | چه کند بلبل شب‌خیز که سودا نکند |

۲۱ مفهوم عبارت «این قصه، عجب‌ترین قصه‌هاست؛ زیرا که در میان دو ضد جمع بود؛ هم فرقت بود و هم وصلت؛ هم محنت بود، هم شادی؛ هم راحت بود، هم آفت...» با کدام گزینه ارتباط کم‌تری دارد؟

- | | | |
|---|---------------------------------------|--|
| ۱ | همچونی زهری و تریاکی که دید | همچونی دمساز و مشتاقی که دید |
| ۲ | درد و درمان را به هم آمیختند | درد از درمان جدا کردن خطاست |
| ۳ | جور دشمن چه کند گر نکشد طالب دوست | گنج و مار و گل و خار و غم و شادی به هم‌اند |
| ۴ | همی رفت از بر گردون گهی تاری گهی روشن | وز او که آسمان پیدا و که خورشید ناپیدا |

۲۲ مفهوم بیت «که نعره زدی بلبل، که جامه دریدی گل / با یاد تو افتادم از یاد برفت آن‌ها» با کدام گزینه قرابت کم‌تری دارد؟

- | | | |
|---|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ | تا دلم چشم می‌پرست تو دید | می‌پرستی برفت از یادم |
| ۲ | سایه‌ی طوبی و دلجویی حور و لب جوی | به هوای سر کوی تو برفت از یادم |
| ۳ | ز طفلی آن‌چه به من یاد داد استادم | به غیر عشق برفت آن‌چه بود از یادم |
| ۴ | تا ورق روی تو مطالعه کردم | هرچه بخواندم همه برفت ز یادم |

۲۳ کدام گزینه با بیت «گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها، قرابت معنایی کم‌تری دارد؟

- | | | |
|---|---------------------------------------|--|
| ۱ | عشق سعدی نه حدیثی است که پنهان ماند | داستانی است که بر هر سر بازاری هست |
| ۲ | همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر | نهان کی ماند آن رازی کز او سازند محفل‌ها |
| ۳ | پیرانه‌سرم عشق جوانی به سر افتاد | وان راز که در دل بنهفتم به در افتاد |
| ۴ | ترسم که اشک در غم ما پرده‌در شود | وین راز سربه‌مهر به عالم سمر شود |

۲۴ بیت «بر رمه چون گشت شبان چیره‌دست / او نه شبان است که گرگ رمه است» به کدام بیت نزدیک‌تر است؟

- | | | |
|---|--------------------------------------|-------------------------------|
| ۱ | در بد و نیک جهان دل نتوان بست از آنک | گذران است بد و نیک جهان گذران |
| ۲ | ای تو رمه سپرده به چوپانِ گرگ طبع | این گرگی شبان شما نیز بگذرد |
| ۳ | شبان فارغ از گرگ بداندیش | بود فرجام، گرگ گله‌ خویش |
| ۴ | بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین | کاین نصیحت ز جهان گذران ما را |

۲۵ کدام گزینه به مفهوم بیت «آب عدل و دست احسان شوید از روی زمین / چرک ظلم این عوانان را به یک صابون عدل» نزدیک است؟

- | | | |
|---|------------------------------------|------------------------------|
| ۱ | زین کاروان‌سرای بسی کاروان گذشت | ناچار کاروان شما نیز بگذرد |
| ۲ | چون داد عادلان به جهان بر بقا نکرد | بیداد ظالمان شما نیز بگذرد |
| ۳ | ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن | تأثیر اختران شما نیز بگذرد |
| ۴ | بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت | هم بر چراغ‌دان شما نیز بگذرد |



آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۲۶ بیت: «آدمی چون تو در آفاق نشان نتوان داد / بلکه در جنت فردوس نباشد چو تو حور» با کدام بیت تناسب معنایی دارد؟

(سراسری زبان - ۸۶)

- | | |
|---|--|
| ۱ علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را! | ۲ که به ما سوا فکندی همه سایه ی هما را |
| ۳ نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت | ۴ متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را! |
| ۵ چو درخت قامتش دید صبا به هم بر آمد | ۶ ز چمن نرست سروی ، که ز بیخ بر نکندش |
| ۷ آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست | ۸ عالمی دیگر نباید ساخت وز نو آدمی |

۲۷ مفهوم آیه «کل نفس ذائقة الموت» هر کس مرگ را خواهد چشید» در کدام بیت مشهود است؟

- | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| ۱ این نوبت از کسان به شما ناکسان رسید | ۲ نوبت ز ناکسان شما نیز بگذرد |
| ۳ آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام | ۴ بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد |
| ۵ چون داد عادلان به جهان در بقا نکرد | ۶ پیداد ظالمان شما نیز بگذرد |
| ۷ باد خزان نکبت ایام ناگهان | ۸ بر باغ و بوستان شما نیز بگذرد |

۲۸ مفهوم عبارت «دل‌ها آن چنان صفایی می‌یابند که وصف آن ممکن نیست» با کدام گزینه قرابت معنایی بیشتری دارد؟

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱ من صفا بودم و آینه‌ام آلوده زنگ | ۲ زنگ ز آینه زدودند و صفا بخشیدند |
| ۳ چه لازم وصف شعر آبدار خود کنی صائب | ۴ اگر دارد گهر آب صفا، پنهان نمی‌ماند |
| ۵ دیده اهل صفا روشن که آن روشن‌روان | ۶ یک بهشت جاودان با خود صفا آورده است |
| ۷ اگر صفا طلبی کام دل مجوی که یار | ۸ چو در کنار نشست از میان صفا برخاست |

۲۹ کدام گزینه به مفهوم «محاسبه نفس پیش از مرگ» اشاره دارد؟

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱ نوشته دست زمانه بر او به خط قضا | ۲ حساب دولت و اقبال تا به روز حساب |
| ۳ حساب ملک جهان گرچه زیر حلقه اوست | ۴ برون شدست هنرهای او ز حد و حساب |
| ۵ حساب دانش او را کرانه پیدا نیست | ۶ اگرچه ملک زمین را به دست اوست حساب |
| ۷ حساب کرده خود کن حساب در چه کنی | ۸ که ماند از پس و روز حساب در پیش است |

۳۰ در کدام گزینه به مفهوم «دوری از وطن» اشاره شده است؟

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱ هر درختی که ز جایش به دگر جای برند | ۲ بشود زو همه آن رونق و آن زینت و آب |
| ۳ بسیار سفر باید تا پخته شود خامی | ۴ صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی |
| ۵ سفر دراز نباشد به پای طالب دوست | ۶ که خار دشت محبت گل است و ریحان است |
| ۷ از ما سراغ منزل آسودگی مجو | ۸ چون باد، عمر به تکاپو گذشته است |

۳۱ بیت و با عبارت «و گذشته خویش را با وسواس یک قاضی می‌کاوند و سراپای زندگی خویش را محاسبه می‌کنند» قرابت معنایی دارند.

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| الف) تو پنداری که بدگو رفت و جان برد | ب) حسابش با کرام الکاتبین است |
| ب) خرد ز پیری من کی حساب برگیرد | پ) که باز با صنمی طفل عشق می‌بازم |
| پ) تو حساب خویش کن نه عتاب خلق سعدی | ت) که بضاعت قیامت، عمل تباه داری |
| ت) اینجا بنگر حساب خویش هم امروز | ث) کاینجا حاضر شدند مرسل و مرسل |

۴ الف و پ

۳ پ و ت

۲ ب و پ

۱ الف و ت





آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۳۲ مفهوم عبارت «خاک مظهر فقر مخلوق در برابر غنای خالق است.» با کدام گزینه تناسب بیشتری دارد؟

- | | |
|-------------------------------------|---|
| ۱ افتادگی آموز اگر طالب فیضی | ۱ هرگز نخورد آب زمینی که بلند است |
| ۲ از خدا نبود روا جستن غنا | ۲ هست مومن را غنا رنج و غنا |
| ۳ فقر است راحت دو جهان زینهار از آن | ۳ میل غنا مکن که غنا صورت غنا (رنج) است |
| ۴ مالک ملک بقا گشتم و سلطان غنا | ۴ این تسلط به من از فقر و غنا بخشیدند |

۳۳ در کدام گزینه مفهوم «وطن و وطن دوستی» دیده نمی شود؟

- | | |
|--------------------------------------|---|
| ۱ گرچه در شهر کسان گلشن و کاشانه کنی | ۱ خانه خویش به ار چند خراب است و بیاب (ویران) |
| ۲ دل درون سینه ام می رقصد از حرف وطن | ۲ هیچ سازی ماهیان را چون صدای آب نیست |
| ۳ هر درختی که ز جایش به دگر جای برند | ۳ بشود زو همه آن رونق و آن زینت و آب |
| ۴ بیرون رو ای خیال پراکنده از دلم | ۴ از دیگری مگوی که این خانه او گرفت |

۳۴ کدام گزینه می تواند معانی مناسبی برای تعداد بیشتری از واژه های زیر باشد؟

- | | |
|---------------------------------------|--|
| ۱ نظیر، شایسته، زره، دلاور | ۱ شبیه، بعینه، بسنده، ویله، فراز آمدن، گبر |
| ۲ مانند، کافی، ناله، کم عقلی | ۲ عیناً، آراسته، حصار، نوعی لباس جنگی |
| ۳ عیناً، آراسته، حصار، نوعی لباس جنگی | ۳ مانند، کامل، نزدیک آمدن، خفتان |
| ۴ مانند، کامل، نزدیک آمدن، خفتان | |

۳۵ ابیات گزینه های زیر دوبه دو با هم موقوف المعانی هستند به جز گزینه

- | | |
|--|--|
| ۱ به لشکر چنین گفت کاموس گرد
همه تیغ و گرز و کمند آورید | ۱ که گر آسمان را بیايد سپرد
به ایرانیان تنگ و بند آورید |
| ۲ تهمتن چنین داد پاسخ بدوی
تو قلب سپه را به آیین بدار | ۲ که ای بیهوده مرد پر خاش جوی
من اکنون پیاده کنم کارزار |
| ۳ بیامد دمان پیش گرد آفرید
کمان را به زه کرد و بگشاد بر | ۳ چو دُخت کمند افکن او را بدید
نُبد مرغ را پیش تیرش گذر |
| ۴ به رستم بر آنکه بیارید تیر
همی رنجه داری تن خویش را | ۴ تهمتن بدو گفت بر خیره خیر
دو بازوی و جان بداندیش را |

۳۶ مفهوم بیت «گرچه همه کوکبی به تاب است / افروختگی در آفتاب است.» از کدام گزینه برمی آید؟

- | | |
|----------------------------------|---------------------------------|
| ۱ یکی تیر زد بر اسب اوی | ۱ که اسب اندر آمد ز بالا به روی |
| ۲ گشانی بدو گفت: با تو سلیح | ۲ نیبم همی جز فسوس و مزیح |
| ۳ پیاده، به از چون تو پانصد سوار | ۳ بدین روز و این گردش کارزار |
| ۴ بدو گفت رستم که تیر و کمان | ۴ ببین تا هم اکنون، سر آری زمان |

۳۷ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- | | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| ۱ نماد ایچ با روی خورشید رنگ | ۱ به جوش آمده خاک، بر کوه و سنگ |
| ۲ به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ | ۲ سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟ |
| ۳ خروش سواران و اسبان ز دشت | ۳ ز بهرام و کیوان همی برگذشت |
| ۴ برفتند از آن جای شیران نر | ۴ عقاب دلاور بر آورد پر |



۳۸ کدام توضیح درست است؟

- ۱ ز قلب سپاه اندر آشفّت طوس / بزد اسب، کاید بر اشکبوس (حرکت پهلوان ایرانی برای مبارزه با دشمن)
- ۲ چو رهام گشت از گشانی ستوه / بیچید زو روی و شد سوی کوه (سرپیچی رهام از گشانی)
- ۳ بر آهیخت رهام، گرزِ گران / غمی شد ز پیکار، دست سران (غمگین شدن دو پهلوان)
- ۴ به گرز گران، دست برد اشکبوس / زمین آهین شد، سپهر آبنوس (محکمی زمین، روشنی آسمان)

۳۹ کدام یک از ابیات با بیت زیر تقابل مفهومی دارد؟

«چو رهام گشت از گشانی ستوه / بیچید زو روی و شد سوی کوه»

- ۱ چو از جنگ رستم بیچید روی
- ۲ نه نیروی جنگ و نه راه گریز
- ۳ تهمتن بر آشفّت و با توس گفت
- ۴ از ایشان فراوان بخست و بگشت

۴۰ بیت «عاقبت منزل ما وادی خاموشان است / حالیا غلغله در گنبد افلاک انداز» با کدام یک از ابیات زیر ارتباط معنایی دارد؟

- ۱ دلیری کجا نام او اشکبوس
- ۲ به لشکر چنین گفت کاموس گرد
- ۳ بر آویخت رهام با اشکبوس
- ۴ خروش سواران و اسبان ز دشت

۴۱ کدام گزینه توضیح مقابل با بیت خود مطابقت کمتری دارد؟

- ۱ بدو روی بنمود و گفت: ای دلیر
- ۲ بدانست کاویخت گردآفرید
- ۳ نیامد به دامم به سان تو گور
- ۴ دو لشکر، نظاره برین جنگ ما

۴۲ ویژگی «ابدال» در کدام گزینه با بیت «جمله عالم زین سبب گمراه شد / کم کسی ز ابدال حق آگاه شد» مشترک است؟

- ۱ این دم ابدال باشد زان بهار
- ۲ همچنان این قوّت ابدال حق
- ۳ زان می که زبوش جمله ابدال
- ۴ ناگهان مردی ز ابدال خدا

۴۳ مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟

- ۱ کرسی چه حاجت آن را کز عرش بر گذشته است
- ۲ منشور رستگاری است طومار خود حسابان
- ۳ چون رنگ می ز مینا بیرون دودید باید
- ۴ نوش دکان هستی آمیخته است با نیش

۴۴ کدام گزینه توصیف متفاوتی از طوطی است؟

- ۱ بود بقالی و وی را طوطی
- ۲ در دکان بودی نگهبان دکان
- ۳ طوطی ای کاید ز وحی آواز او
- ۴ در خطاب آدمی ناطق بدی

۴۵ کدام بیت با «صد هزاران این چنین اشباه بین / فرقشان هفتاد ساله راه بین» ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱ در کار گلاب و گل حکم ازلی این شد
- ۲ یک به یک در آب افکن جمله تر و خشک را
- ۳ چون بسی ابلیس آدم روی هست
- ۴ هر دو گون زبور خوردند از محل
- کاین شاهد بازاری وان پرده نشین باشد
- اندر آتش امتحان کن چوب را و عود را
- پس به هر دستی نشاید داد دست
- لیک شد زان نیش و زان دیگر عسل

۴۶ مفهوم بیت کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ هر که دانست، حکایت نتوانست از وی
- ۲ حافظ سخن بگوی که بر صفحه جهان
- ۳ تو در جنگ چندین دلیری مکن
- ۴ روزک چندی سخن کوتاه کرد
- عارفان را سخن، اینجاست که کوتاه شود
- این نقش ماند از قلمت یادگار عمر
- که با مات کوتاه باشد سخن
- مرد بقال از ندامت آه کرد

۴۷ عبارت «عزیزی گفت: ای روح الله، چرا زبون این ناکس شده ای و هر چند او قهر می کند، تو لطف می فرمایی و با آن که او جور و جفا پیش می برد، تو مهر و وفا بیش می نمایی؟» با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- ۱ عاشقم بر لطف و بر قهرش به جد
- ۲ آتش فروز قهر تو، آیین دار لطف تو
- ۳ لطف کن آن که را که با تو به خدا است
- ۴ گاهیم به لطف می نوازی
- این عجب من عاشق ای هر دو ضد
- هم مغرب ادبارها، هم مشرق اقبال ها
- قهر زهر است و لطف پاد زهر است
- گاهیم به قهر می گذاری

۴۸ کدام بیت به این سخن مشهور: «کلُّ شیءٍ یَرْجِعُ الی أصله» اشاره ندارد؟

- ۱ هر آن جوهر که هستند از عدد بیش
- ۲ گر آتش در زمین منفذ نیابد
- ۳ و گر آبی بماند در هوا دیر
- ۴ گر از عشق آسمان آزاد بودی
- همه دارند میل مرکز خویش
- زمین بشکافد و بالا شتابد
- به میل طبع هم راجع شود زیر
- کجا هرگز زمین آباد بودی

۴۹ مفهوم کُلِّ اَناءٍ یَتَرَشَّحُ بما فیه با کدام بیت تناسب دارد؟

- ۱ دل خانه ی خداست چو مصحف عزیزدار
- ۲ به زیر چرخ دل شادمان نمی باشد
- ۳ در پیش ما فتاده ست مستی و هوشیاری
- ۴ از قضا آینه ی چینی شکست
- زان پیش تر که میل شرابش کند خراب
- گل شکفته در این بوستان نمی باشد
- در هر که هر چه باشد رفتار می نماید
- خوب شد اسباب خودبینی شکست

۵۰ بیت «صد هزاران این چنین اشباه بین» فرقشان هفتاد ساله راه بین» مفهوم کدام بیت را تکمیل می کند؟

- ۱ مه فشاند نور و سگ عوعو کند
- ۲ معرفت زین جا تفاوت یافته است
- ۳ این که فردا این کنم یا آن کنم
- ۴ آفتاب آمد دلیل آفتاب
- هر کسی بر طینت خود می تند
- این یکی محراب و آن بت یافته است
- این دلیل اختیار است ای صنم
- گر دلیلت باید از وی رخ متاب

(سراسری زبان - ۸۲)

۵۱ مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱ آن یکی شیر است کادم می خورد
- ۲ آن یکی شیر است اندر بادیه (بیابان)
- ۳ ما همه شیریم و شیران علم
- ۴ کار پاکان را قیاس از خود مگیر
- و آن دگر شیر است کادم، می خورد
- و آن دگر شیر است اندر بادیه (طرف)
- حمله مان از باد باشد دم به دم
- گر چه باشد در نبشتن شیر و شیر

۵۲ با توجه به مفهوم بیت «چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست» کدام بیت متفاوت است؟

- ۱ و نه این زاغان دغل افروختند
- ۲ حرف درویشان و نکته عارفان
- ۳ گر بخواهی ور نخواهی، با چراغ
- ۴ بانگ هدهد گر پیاموزد فتنی (پسر)
- بانگ بازان سپید آموختند
- بسته اند این بی حیایان بر زبان
- دیده گردد نقش باز و نقش زاغ
- راز هدهد کو و پیغام سبا

۵۳ مفهوم کدام بیت با کلّ اناء یترشح بما فیه نامتناسب است؟

- ۱ بداصل گدا، چو خواجه گردد، نه نکوست
- ۲ پاک دامانی چو شمع و نور بارد از رخت
- ۳ می دهد ظاهر هر کس خبر از باطن او
- ۴ آن که چو خرماست رفیقش مدان
- مغرور شود نداند از دشمن دوست
- پاک دامانی دلیلش روی نورانی بود
- رتبه ی پیرهن آری ز قبا معلوم است
- کاوست برون مغز و درون استخوان

۵۴ همه ایات با بیت زیر، تناسب مفهومی دارند؛ به جز:

- «من و مقام رضا بعد از این و شکر و رقیب که دل به درد تو خو کرد و ترک درمان گفت»
- ۱ هر که روزی بی رضایش چهره زیباش دید
 - ۲ در خرابات رضا نشو و نما یافته ام
 - ۳ مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد
 - ۴ صبر و تحمل است و رضا چاره با قضا
 - بی خلاف از وی بر آورد داغ بی مبری دمار
 - درد میخانه قسمت می سر جوش من است
 - ولی چه سود که سر رشته در رضای تو بست
 - تدبیر این قضیه برون زین سه چار نیست

۵۵ مفهوم کدام گزینه با بیت «دمی آب خوردن پس از بدسگال / به از عمر هفتاد و هشتاد سال» یکسان است؟

- ۱ پس از تیرگی روشنی گیرد آب
- ۲ بر نشوی تو بر جهان برین
- ۳ کار عالم سُست بنیاد آمده است
- ۴ پیمانام ز رعشه پیری به خاک ریخت
- بر آید پس از تیره شب آفتاب
- تات بود دیو همی همنشین
- آسمان را پیشه بیداد آمده است
- بعد از هزار دور که نوبت به ما رسید

۵۶ مفهوم عبارت «با صدایی که به قول معروف از ته چاه در می آمد، با زهر خندی گفت: داد زن! من گوش استماع ندارم، لمن تقول؟» با کدام بیت متناسب است؟

- ۱ صلاح و دانش و تقوی ز من طمع مکنید
- ۲ حال چوگان چون نمی دانی که چیست
- ۳ گوش کن پند ای پسر وز بهر دنیا غم مخور
- ۴ نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر
- که عشق هر چه در این خانه دید غارت کرد
- ای نصیحت گو به ترک گوی، گوی
- گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت هوش
- هر آنچه ناصح مشفق بگویدت بپذیر



آکادمی آموزشی انگیزشی رویش

۵۷ کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست به غیر مصلحتش رهبری کند ایام»

- | | |
|---------------------------------------|---|
| ۱ در این جهان دل بی غم نمی شود پیدا | ۱ اگر برون دهم از دل غم نهانی خویش |
| ۲ روزگارم تیره و بختم سیاه افتاده است | ۲ گل به چشم روزنم از مهر و ماه افتاده است |
| ۳ ز گمان قدر آن تیر که بگریزد | ۳ گذشت گرچه سرا پای شوی رویین |
| ۴ بی می روشن اگر تیره شد آیینۀ عیش | ۴ بس عجب نیست که گیتی همه افسون و دم است |

۵۸ باتوجه به مفاهیم موجود در درس «خسرو» کدامیک از ابیات زیر با این درس ارتباط مفهومی ندارد؟

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| ۱ به یکی در درآید از گوشش | ۱ به دگر در برون کند هوشش |
| ۲ چون بسی ابلیس آدم روی هست | ۲ پس به هر دستی نشاید داد دست |
| ۳ مرد باید که گیرد اندر گوش | ۳ ور نوشته است پند بر دیوار |
| ۴ به صوت خوش چو حیوان است مایل | ۴ ز حیوان کم نشاید بودن ای دل |

۵۹ عبارت «ای چون سبزه بر آمده از دفتر روزگاران» با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------------|
| ۱ پی افکندم از نظم کاخی بلند | ۱ که از باد و باران نیابد گزند |
| ۲ از صدای سخن عشق ندیدم خوش تر | ۲ یادگاری که بر این گنبد دوار بماند |
| ۳ بماند بسی روزگاران چنین | ۳ که خوانند هر کس بر او آفرین |
| ۴ سر زلفش ز باد نوبهاران | ۴ چو احوال پریشان روزگاران |

۶۰ عبارت «بدان که در لحظه لحظه روز می توانی خدا را به تمامی در تملک خویش داشته باشی. کاش آرزویت از سر عشق باشد و تصاحبت عاشقانه؛ زیرا آرزویی ناکارآمد به چه کار می آید؟» به کدام گزینه نزدیک است؟

- | | |
|--|--|
| ۱ گر تو سری قدم شوم ور تو کفی علم شوم | ۱ ور بروی عدم شوم بی تو به سر نمی شود |
| ۲ بی تو اگر به سر شدی، زیر جهان زیر شدی | ۲ باغ ارم سقر (دوزخ) شدی بی تو به سر نمی شود |
| ۳ جاه و جلال من تویی ملک و مال من تویی | ۳ آب زلال من تویی بی تو به سر نمی شود |
| ۴ بی همگان به سر شود بی تو به سر نمی شود | ۴ داغ تو دارد این دلم جای دگر نمی شود |

پاسخنامه تشریحی

۱. گزینه ۲ مفهوم صورت سؤال: پرتوی روی خداوند بر روی زمین باعث ایجاد تمام موجودات و عجایب عالم می‌گردد. شاعر در گزینه ۲ نیز می‌گوید تمام این عظمت و عجایب که در عالم مشاهده می‌شود فقط یک پرتو از نور خداوندی است.
نکته: ساقی در ادبیات عرفانی منظور خداوند و راهنماست.
۲. گزینه ۳ در این گزینه از رحمت و فضل خدا سخن به میان آمده است نه وحدت وجود.
مفهوم گزینه ۴: نقش‌های هستی تجلی وجود خداوند. (وحدت وجود)
۳. گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: سعدی در این بیت می‌گوید من به خوبی تفاوت مال حلال و حرام را می‌شناسم اما در کنار معشوق و در دنیای بی‌منطق عاشقی همه‌چیز برعکس است.
گزینه ۲: پاسخ همین گزینه است. حافظ می‌فرماید در زندگی نسبت به حلال بودن اموال دقت فراوانی داشته باش تا مبادا روزی اگر دچار مشکلی شدی خداوند کمکت کند.
گزینه ۳: فقط روزی‌رسان خداست.
- گزینه ۴: در مورد مناعت طبع و سفره‌داری افراد بزرگوار و صاحب کرامت است.
۴. گزینه ۱ چشمه پس از دیدار دریا متوجه شد از او بزرگ‌تر و زیباتر هم وجود دارد به همین خاطر در برابر عظمت وجود دریا چیزی از آن باقی نماند، شاعر در گزینه ۱ نیز چنین مفهومی را ذکر می‌کند (کسی که به خاطر غرور و تکبرش بر روی خاک قدم نمی‌گذاشت امروز در خاک مدفون است و چیزی از او باقی نمانده است).
در این سؤال ممکن است مخاطبان در گزینه ۲ هم شک داشته باشند که البته پر بیراه هم نیست اما نکته‌ای که این گزینه را رد می‌کند این است که شاعر در این بیت به افراد مغرور هشدار نابودی را می‌دهد و صحبتی از نابودی انجام نشده است.
۵. گزینه ۲ خود را نادیده انگاشتن سبب پیشرفت و ترقی می‌شود. این مفهوم در صورت سؤال و گزینه ۲ دیده می‌شود.
تشریح سایر گزینه‌ها: فقط در مورد مرگ صحبت می‌کند نه پیشرفت و ترقی بعدش.
۱: طلب مرگ کردن است. ۳: غرور ورزیدن و در نهایت مرگ را می‌رساند.
۴: مرگ به سراغ تمامی انسان‌ها می‌رود پس چه بهتر است که در زندگی با مهربانی عمر را بگذرانیم.
۶. گزینه ۴ گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ با صورت سؤال که می‌فرماید: خداوند از روی لطف و رحمت بی‌منت‌هایت به ما توجه ویژه‌ای داشته باش کاملاً هم‌سو و مرتبط هستند، اما با دقت در گزینه ۴ متوجه می‌شویم که شاعر در این بیت از عجز و درماندگی‌اش در مورد توصیف خداوند سخن به میان آورده است.
۷. گزینه ۴ در سایر گزینه‌ها مفهوم «غرور» مطرح شده اما در این گزینه مفهومی متضاد آمده است.
۸. گزینه ۴ مفهوم بیت سؤال می‌فرماید: از آنجایی که روزگار فانی است و تقدیر فرداها مشخص نیست پس حال را دریاب و شادی را کنار نگذار.
این مفهوم در گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ به خوبی مشاهده می‌شود.
- اما شاعر در گزینه ۴ می‌فرماید: شادی من در روزگار به‌خاطر عدم وابستگی‌ها و دلبستگی‌ها به دنیا است.
۹. گزینه ۴ مفهوم مشترک حدیث صورت سؤال و بیت گزینه ۴: لزوم رسیدگی به اعمال خود در دنیا، قبل از فرارسیدن حساب قیامت (تأکید بر خودحسابی)؛ اما سایر گزینه‌ها به بررسی حساب و کتاب‌های دنیایی در روز قیامت اشاره می‌کنند.
۱۰. گزینه ۳ مفهوم عبارت سؤال توصیه به دوری از ریاکاری و دورویی است که این مفهوم در گزینه ۳ نیز سفارش گشته است.
۱۱. گزینه ۴ مفهوم بیت صورت سؤال «ارزشمندی وجود رفیق موافق و همراه واقعی» است که در گزینه ۴ هم این مفهوم وجود دارد.
این سؤال براساس روان‌خوانی (خسرو) طرح شده است.
۱۲. گزینه ۴ مفهوم سؤال، ناامید نشدن در برابر سختی‌های روزگار و امید داشتن به بهبودی اوضاع به لطف خداوند را مطرح می‌کند. همان‌طور که دیدید این مفهوم در گزینه‌های «ج - ه» ذکر شده است (تحمل در برابر سختی‌ها و ناامید نشدن)
۱۳. گزینه ۴ معنای درست گزینه ۴: کارگران حمام آمدند و در برابر ما تعظیم کردند.
۱۴. گزینه ۱ «دور نبودن» به معنای صمیمیت و «صورتک به رو نداشتن» به معنای دورو نبودن است. ریا در این عبارت از معلم سلب شده است. در ابیات مشترک هم مفهوم همین است. در بیت «۲» می‌گوید من به تزویر گوش نمی‌دهم. بیت گزینه «۳» خداوند را گواه نداشتن ریا و نفاق خود می‌داند و در گزینه «۴» باده‌نوشی بدون دورویی را از زهد همراه با نیرنگ برتر می‌شمارد. اما در بیت گزینه «۱» می‌گوید همه اقشار جامعه در حال دورویی هستند و ظاهر و باطن متفاوتی دارند.
۱۵. گزینه ۴ گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ بر تأثیر قضا و قدر و سلب اراده انسان تأکید دارد، اما گزینه «۴» سرنوشت انسان را منوط به اعمال او می‌داند.
۱۶. گزینه ۳ مفهوم بیت دعوت به راز داری است که مناسب زاهد داستان است که راز را آشکار کرده بود. گزینه‌های دیگر از افشای راز سخن گفته‌اند.
۱۷. گزینه ۲ مفهوم گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴: تسلیم بودن در برابر معشوق را می‌رساند، اما گزینه ۲ می‌گوید اگر دیگران برای معشوقشان پول و طلا خرج می‌کنند من سرم را برایش خرج می‌کنم. (فنا بی‌چون و چرای عاشق در مقابل معشوق)
۱۸. گزینه ۴ در بیت‌های اول، دوم و سوم مانند بیت صورت سؤال، این معشوق است که عاشق را در پی خود می‌کشد و توجه او را به خود جلب می‌کند. اما در گزینه چهارم عاشق خود به‌عمد اسیر کمند معشوق شده است.
۱۹. گزینه ۱ مضمون مشترک گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» رویداد و شکفتن گل‌های سرخ رنگ پس از مرگ، از خاک و تربت گور عاشق به واسطه عشق معشوق است اما در گزینه «۱» شاعر از به گور بردن آرزوهایش سخن می‌گوید.

۲۰. گزینه ۱ ناپایداری زیبایی‌های دنیوی مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه «۱» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) برتری معشوق بر همه زیبایی‌ها

۳) تحمل سختی سبب ارزشمندی

۴) جبر گرایی

۲۱. گزینه ۴ بیت توصیف سایه‌روشن ابر است ولی مفهوم مشترک سایر ابیات آمیختگی رنج و راحت است.

۲۲. گزینه ۳ مفهوم بیت ماندگاری عشق در وجود عاشق و فراموش ناشدنی آن است ولی مفهوم مشترک سایر ابیات، غلبه‌ی جذبه‌ی معشوق بر جاذبه‌های دیگر است.

۲۳. گزینه ۴ مفهوم بیت ترس عاشق از افشای راز اوست ولی مفهوم مشترک سایر ابیات افشای راز و بر سر زبان افتادن سخن عشق است.

۲۴. گزینه ۲ مفهوم بیت، خیانت شبان به رمه است که با گرگی شبان در بیت پاسخ متناسب است.

۲۵. گزینه ۲ گزینه‌های دیگر به ناپایداری قدرت، رونق و بخت اشاره دارد ولی گزینه‌ی «۲» به ناپایداری ظلم و ستم اشاره دارد که به صورت سوال نزدیک است.

۲۶. گزینه ۲

۲۷. گزینه ۲ مفهوم مشترک، قطعی بودن مرگ است.

۲۸. گزینه ۱ مفهوم مشترک، صفا یافتن دل و رفع کدورت است که در گزینه «۱» با استعاره «آینه» آمده است.

در گزینه ۳، به صراحت سخنی از صفا یافتن پس از رفع کدورت نیامده است.

۲۹. گزینه ۴ مفهوم بیت محاسبه اعمال پیش از مرگ است.

۳۰. گزینه ۱ مفهوم گزینه جواب: عشق به وطن مانند نور و آب و خاک است برای درختان و درختان استعاره از انسان‌هایی است که از عشق به وطن زنده‌اند، شاعر می‌گوید انسانی (درخت) که از وطن خود دور شود دیگر شادابی و سرحالی در وجودش دیده نمی‌شود. شرح گزینه‌های دیگر:

۲: ارزش سفر و تجربیاتی که در سفر نصیب انسان می‌شود.

۳: عاشق تمام سختی‌های راه رسیدن به معشوق را به جان و دل می‌خرد.

۴: شکایت شاعر از عدم آسایش و راحتی در زندگی است.

بدون شک گزینه ۴ هم از گزینه‌های احتمالی شما مبنی بر جواب سؤال بوده است اما با دقت در مفهوم می‌بینیم که دوری از وطن فقط در گزینه ۱ آن هم به صورت استعاره و مجازی ذکر شده است.

۳۱. گزینه ۳ عبارت مطرح‌شده در متن سؤال و نیز ابیات «پ» و «ت» به محاسبه اعمال توسط خود انسان اشاره دارند.

۳۲. گزینه ۱ مفهوم مشترک فروتنی و افتادگی است.

۳۳. گزینه ۴ در گزینه «۱»، خانه استعاره است از وطن / در گزینه «۲»، که مفهوم عشق به وطن کاملاً واضح است.

در گزینه «۳»، هم شاعر درخت را استعاره از انسان آورده است و می‌گوید هر انسانی که از وطنش دور شود دیگر شادابی و طراوت در وجودش دیده نمی‌شود.

گزینه «۴»: مفهومی عاشقانه دارد و در اینجا خانه استعاره است از دل عاشق که معشوق آن را تصاحب کرده است.

۳۴. گزینه ۴ (شایسته و دلاور)، (کم‌عقلی) و (آراسته و حصار) معانی‌ای هستند که در گزینه‌های «۱» و «۲» و «۳» آمده‌اند ولی واژه متناسب با آن در صورت سوال نیست. بیشترین معانی مناسب با واژه‌های صورت سؤال در گزینه «۴» آمده است.

شبه: بعینه، مانند/ بسنده: کامل / فراز آمدن: نزدیک آمدن/ گبر: خفتان

۳۵. گزینه ۲ بیت اول گزینه ۲ از طرف رستم به اشکبوس گشائی است اما بیت دوم خطاب رستم است به طوس، فرمانده سپاه ایران در جنگ با تورانیان، بنابراین این گزینه دارای ابیات موقوف‌المعانی نیست.

* نکته: موقوف‌المعانی ابیاتی هستند که معنای آن‌ها به واسطه ابیات بعدی تکمیل و قابل فهم می‌گردد و ممکن است چندین بیت هم ادامه پیدا کند.

۳۶. گزینه ۳ مفهوم مشترک: برتری کم با کیفیت بر زیاد بی کیفیت.

۳۷. گزینه ۲ گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ هر سه به مفهوم شدت و سهمگین بودن جنگ دلالت دارند، اما در گزینه ۲ چگونگی جنگیدن (پیاده یا سواره) مطرح می‌گردد.

۳۸. گزینه ۱ سایر گزینه‌ها: «۲»: شکست و فرار رهام / «۳»: خسته شدن دو پهلوان / «۴»: سخت شدن زمین و غبارآلود شدن آسمان

۳۹. گزینه ۴ مفهوم بیت سؤال در مورد فرار کردن رهام به‌خاطر قدرت بالای اشکبوس است، مفهوم مقابل این بیت که پایداری در جنگ و فرار نکردن است، به‌وضوح در بیت «۴» دیده می‌شود.

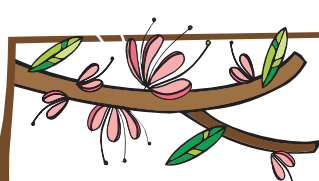
مفهوم گزینه‌های «۱» و «۲» که دقیقاً با بیت صورت سؤال یکسان است، بیت «۳» هم درباره دوری رهام از جنگ و پایداری و خوشگذرانی اوست.

۴۰. گزینه ۴ مفهوم مشترک: اغراق در بلندی صدا

۴۱. گزینه ۲ نیرنگ به جای جنگ

۴۲. گزینه ۳ ویژگی مشترک: پنهان بودن ابدال و مردان خدا از چشم خلق است.

۴۳. گزینه ۳ مفهوم گزینه ۳، بیرون آمدن از دایره وابستگی‌ها و دنیای مادی و رفتن به سوی معنویت و افلاک است، درحالی‌که عبارت عربی داخل پراتنز معادل «از کوزه همان برون تراود که در اوست، را می‌رساند و با بیت سازگاری ندارد.



- ۴۴ گزینه ۳ در سایر گزینه‌ها طوطی به عنوان یک پرنده زیبا و ماهر و خوش صدا توصیف شده ولی در گزینه ۳، به عنوان نمادی از روح انسان که صدایش از وحی می‌آید و آفرینش ازلی دارد.
- ۴۵ گزینه ۲ مفهوم بیت صورت سؤال: چیزهای زیادی در عالم وجود دارد که ظاهراً یکسان و شبیه به هم هستند، ولی در باطن تفاوت‌های فراوانی دارند. این مفهوم در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴، نیز دیده می‌شود.
- مفهوم بیت ۲: اگر می‌خواهی تفاوت خوب یا بد را متوجه بشوی باید آن‌ها را بدون ترس و واهمه امتحان کنی.
- ۴۶ گزینه ۲ مفهوم بیت دعوت به سخن گفتن است ولی در گزینه‌های دیگر بر سکوت و کوتاهی سخن اشاره شده است.
- ۴۷ گزینه ۳ مفهوم مشترک، «لطف در برابر قهر» است ولی در گزینه ۱، «مفهوم «عشق بر لطف و قهر معشوق» است و در گزینه ۲، «مفهوم «تجلی لطف و قهر خدا» است و مفهوم گزینه ۴، «لطف و قهر معشوق» است.
- ۴۸ گزینه ۴ بیت چهارم می‌گوید که آسمان عاشق است و از سر عاشقیست که می‌گرید و اگر عشق نبود، باران هم نبود و زمین آباد نیز!
- ۴۹ گزینه ۳
- ۵۰ گزینه ۲ مفهوم بیت: گمراهی در اثر توجه به شباهت ظاهری
- ۵۱ گزینه ۳ مفهوم مشترک ابیات بیان شباهت‌های ظاهری است ولی بیت ۳، تمثیلی برای بیان توحید افعالی است که انسان مانند شیر روی پرچم می‌داند که تنها با وزش باد حرکت می‌کند.
- ۵۲ گزینه ۳ مفهوم بیت شناختن حق و باطل، با بینش عمیق است. گزینه‌های دیگر به ظاهر فریبی مدعیان اشاره دارد.
- ۵۳ گزینه ۴ سایر گزینه‌ها به مفهوم «رفتار هر کس بیانگر باطن و شخصیت اوست»، اشاره دارند؛ اما مفهوم گزینه ۴ «ناهماهنگی ظاهر و باطن» است.
- ۵۴ گزینه ۱ مفهوم مشترک بین صورت سؤال و گزینه‌های ۲، ۳ و ۴، رضایت داشتن و تسلیم شدن در برابر قضا و سرنوشت است.
- مفهوم بیت گزینه ۱: مزمت ناشکیبایی و این‌که هر کس بدون رضایت معشوق به روی او نگاه کند نتیجه کار خود را خواهد دید.
- ۵۵ گزینه ۱ مفهوم سؤال: امید و آرزو به رفع مشکلات و آسایش داشتن است، در گزینه ۱ هم این موضوع مشهود است.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- ۲- آدمی تا از وجود خویشتن بر نگذرد به مقامات بالای الهی نمی‌رسد.
- ۳- اعتقاد قدما به تأثیر قضا و قدر در سرنوشت انسان‌هاست که در دست اجرام آسمانی است، اشاره دارد و اینکه دنیا جای راحتی و آسایش نمی‌باشد.
- ۴- از بدشانسی و کج بودن اقبال بحث به میان آورده است.
- ۵۶ گزینه ۲ عبارتی که در صورت سؤال ذکر شده است مربوط به بخش ملاقات خسرو و راوی داستان است، جایی که خسرو می‌گوید من دیگر کارم به جایی رسیده است که حوصله گوش دادن به نصیحت ندارم و تو از حال و احوال من چون بی‌خبری نصیحتم نکن، این مفهوم در گزینه ۲ وجود دارد، شاعر می‌گوید: ای کسیکه از احوال من خبر نداری، مرا نصیحت نکن که گوش شنوا ندارم (از نصیحت کردن دست بردار)
- گزینه ۱: عشق همه چیز را از عاشق می‌گیرد.
- گزینه ۳ و ۴: ستایش و تمجید از نصیحت است که کاملاً با موضوع سؤال تفاوت دارند.
- ۵۷ گزینه ۳ ابیات بر تقدیر اشاره دارند و اینکه چنانچه مصلحت باشد اتفاقی برای انسان بیفتد آن اتفاق خواهد افتاد.
- ۵۸ گزینه ۳ مفاهیم هر سه گزینه ۱ و ۲ و ۴، در متن خسرو از آقای عبدالحسین وجدانی ذکر شده‌اند.
- گزینه ۱: من گوش استماع ندارم لمن تقول / گزینه ۲: حسودان تنگ‌نظر و عنودان بدگهر وی را به می و معشوق و...
- گزینه ۴: در جواب ناظم مدرسه که گفت: اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب.
- اما گزینه ۳: مفهوم کاملاً برعکس با اخلاقیات و شخصیت خسرو دارد، در این بیت سفارش شده که انسان باید پندپذیر باشد اما خسرو اینگونه نبود.
- ۵۹ گزینه ۴ مفهوم: توصیف زیبایی زلف معشوق. مفهوم سایر بیت‌ها: ماندگاری و جاودانگی
- ۶۰ گزینه ۳ مفهوم مشترک: تملک و تصاحب عاشقانه معشوق

پاسخنامه کلیدی

۱	۲	۱۳	۴	۲۵	۲	۳۷	۲	۴۹	۳
۲	۳	۱۴	۱	۲۶	۲	۳۸	۱	۵۰	۲
۳	۲	۱۵	۴	۲۷	۲	۳۹	۴	۵۱	۳
۴	۱	۱۶	۳	۲۸	۱	۴۰	۴	۵۲	۳
۵	۲	۱۷	۲	۲۹	۴	۴۱	۲	۵۳	۴
۶	۴	۱۸	۴	۳۰	۱	۴۲	۳	۵۴	۱
۷	۴	۱۹	۱	۳۱	۳	۴۳	۳	۵۵	۱
۸	۴	۲۰	۱	۳۲	۱	۴۴	۳	۵۶	۲
۹	۴	۲۱	۴	۳۳	۴	۴۵	۲	۵۷	۳
۱۰	۳	۲۲	۳	۳۴	۴	۴۶	۲	۵۸	۳
۱۱	۴	۲۳	۴	۳۵	۲	۴۷	۳	۵۹	۴
۱۲	۴	۲۴	۲	۳۶	۳	۴۸	۴	۶۰	۳